هدف: فشار بر ایران

شهابی، سهراب

سهراب شهابی‏ بهای نفت پس از یک تنزل شدید در ماه‏های اخیر،به علت‏ طوفان و سردی هوا در اروپا،حدود دو دلار افزایش یافت‏ و در دهه اول بهمن به حدود 52 دلار برای هر بشکه رسید، ولی می‏توان پیش‏بینی کرد که در ماه‏های آینده بار دیگر به‏ سمت پائین میل خواهد کرد.بر این اساس،قیمت زیر 50 دلار برای اوایل بهار چندان دور از انتظار نیست.

سرعت کاهش بهای نفت در یکی دو ماه گذشته،که‏ قاعدتا بهترین ماه‏های بازار نفت بودند،به ویژه سقوط 15 درصدی در دی ماه و رسیدن آن به قیمت اردیبهشت‏ 2005،این پرسش را در برابر کارشناسان مطرح ساخته است‏ که دلیل این تنزل شدید چیست؟و بر اساس همین دلایل آیا در ماه‏های آینده نیز شاهد کاهش بهای نفت خواهیم بود؟

تنزل قیمت نفت در ماه‏های گذشته علاوه بر تأثیرپذیری‏ از هوای نسبتا گرم اروپا در زمستان امسال،بیشتر تحت تأثیر عوامل سیاسی و اعلام استراتژی جدید آمریکا از سوی رئیس‏ جمهور آن کشور بود که بیشتر جنبه تهاجمی و نظامی داشت. همراه با اعلام این استراتژی،ناوهای هواپیمابر آمریکا در خلیج فارس مستقر شدند،کشتی‏های مین جمع‏کن انگلیس‏ به حرکت در آمدند و موشک‏های ضد موشک پاتریوت نیز مستقر شدند.همزمان،تنش در خاورمیانه افزایش یافت، جنگ لفظی و حرکت‏های تحریک کننده شدت گرفت. البته افزایش تنش در خاورمیانه می‏بایست قیمت نفت را افزایش می‏داد،ولی این بار همزمان با افزایش تنش،قیمت‏ نفت رو به کاهش گذاشت،چرا؟

بدون شک یکی از دلایل تنزل قیمت در این مقطع‏ وارد آوردن فشار تازه بر جمهوری اسلامی بود،به‏ بیان دیگر به نظر می‏رسد تنزل قیمت نفت نیز بخشی از استراتژی جدید و تهاجمی آمریکا برای خنثی کردن نفوذ و قدرت ایران باشد.بنابراین کاهش معنادار قیمت نفت، برنامه‏ریزی شده است و علت آن نه روندهای معمول‏ بازار نفت و عوامل روانی،بلکه بخشی از برنامه آمریکا و کشورهای عربی هم پیمان آن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه علیه ایران است.چنانکه عربستان سعودی‏ آشکارا اعلام کرده است که می‏خواهد بهای نفت را حدود 50 دلار،یا به عبارت دیگر 27 دلار کمتر از اوج قیمت در تابستان امسال،حفظ کند.به همین دلیل نیز عربستان،با استفاده از قدرت خود در سازمان اوپک،از برگزاری جلسه‏ اضطرای این سازمان،پس از سقوط قیمت نفت به زیر 50 دلار،جلوگیری کرد تا حتی پیشنهاد ایران و ونزوئلا برای‏ تقلیل 500 هزار بشکه عرضه نفت به بحث گذاشته نشود؛ پیشنهادی که دست کم می‏توانست مانع سرعت گرفتن‏ سقوط بهای نفت شود.

بسیاری از کارشناسان بر یان باورند که عربستان سعودی، پس از ملاقات ماه نوامبر دیک چینی،معاون ریاست جمهوری‏ آمریکا و احتمالا معمار اصلی سیاسی خارجی آمریکا در خاورمیانه با شاه عبداله در ریاض،سیاست تنزل قیمت نفت‏ را برای کنترل نفوذ ایران در دستور کار قرار داده است.

اما چنانچه آمریکا،عربستان سعودی و دیگر کشورهای‏ عربی حوزه خلیج فارس برای وارد آوردن فشار بر ایران، قصد کاهش بهای نفت را داشته باشند،چه قیمتی را می‏توان‏ در بهار سال 1386 برای هر بشکه نفت خام انتظار داشت؟

چنین پیش‏بینی بسیار دشوار است و به عوامل طبیعی، سیاسی و اقتصادی فراوانی بستگی دارد،اما اگر مبنا را قیمتی‏ که عربستان سعودی در بودجه سال 2007 برای هر بشکه‏ نفت منظور کرده است،در نظر بگیریم شاید بتوان به حدود کاهش بهای نفت پی برد.همچنان که می‏دانیم عربستان‏ سعودی،به طور معمول،از آشکار کردن پیش‏بینی خود درباره قیمت نفت در بودجه سالانه امتناع می‏کند،ولی به‏ گفته برخی تحلیگران،این کشور قیمت 42 دلار را برای هر بشکه نفت در سال 2007 خود منظور کرده است.چنانچه‏ این رقم درست باشد،و با توجه به اینکه این رقم قاعدتا باید متوسط قیمت نفت در سال 2007 باشد،بنابراین می‏توان‏ بهای حدود 40 دلاذ را برای ابتدای امسال محتمل دانست؛ یعنی ماه‏هایی که به گفته برخی دیگر از کارشناسان آمریکا ذخایر استراتژیک خود را با نفت ارزان به دو برابر افزایش‏ خواهد داد.به بیان دیگر آمریکا خواهد کوشید از کاهش‏ بهای نفت و افزایش ذخایر استراتژیک،برای بالا بردن قدرت‏ مانور خود در ارتباط با هر تحول احتمالی در بازار نفت و یا تأثیرگذاری بر این بازار بهره بگیرد.این احتمال‏ها هنگامی‏ معنادارتر می‏شوند که به یاد آوریم بیشتر صاحب‏نظران‏ زمان تقریبی برای نشان دادن موفقیت استراتژی بوش را اواخر تابستان می‏دانند.

تصمیم به تمرکز بر قیمت نفت برای اعمال فشار بر ایران، احتمالا مبتنی بر تحلیل این کشورها از آسیب‏پذیری اقتصاد ایران است.بودجه انبساطی سال جاری،برداشت‏های‏ مداوم از حساب ذخیره ارزی،بیشتر وابسته شدن اقتصاد و بودجه دولت به درآمد نفت،تغذیه تقاضاهای اقتصادی‏ حجم عظیمی از جمعیت ایران،فشارهای اقتصادی به دلایل‏ سیاسی از طرف اروپا و بعضی دیگر از کشورها،فشارهای‏ ناشی از قطعنامه‏های شورای امنیت و موارد دیگر،به زعم برخی‏ کارشناسان،آسیب‏پذیری اقتصاد ایران را افزایش داده است. طبعا اگر قیمت نفت نیز کاهش یابد بر میزان این مشکلات‏ به طور مؤثری افزوده خواهد شد.

در اینجا دو پرسش مطرح است:اول،آیا اساسا تحلیلی که ارائه گردید درست است و اقتصاد ایران در سال 1385 آسیب‏پذیرتر شده است؟دوم،چگونه‏ می‏توان،دست کم در کوتاه مدت،از دامنه این‏ آسیب‏پذیری‏ها کاست؟

راقم این سطور،در پاسخ پرسش نخست تنها به بیان‏ یک نکته بسنده می‏کند:از آنجا که دولت آقای احمدی‏ نژاد سیاست خارجی متفاوتی را از دولت آقای خاتمی‏ مد نظر دارد چه بسا نمی‏بایست چنین سیاست توزیعی‏ را در اقتصاد پی می‏گرفت.

اما چگونه می‏توان از دامنه آسیب‏ها کاست؟برای این‏ پرسش همیشه پاسخی کلی،اما روشن وجود دارد:در بلند مدت،تقلیل وابستگی اقتصاد و بودجه دولت به طور واقعی به درآمدهای نفت،و البته در کوتاه مدت،پر کردن‏ حساب ذخیره ارزی و سعی در اینکه موجودی این حساب‏ حداقل معادل دو سال واردات اساسی و لازم ایران را پوشش‏ دهد.اگر حساب ذخیره ارزی از قدرتی مناسب برخوردار می‏بود،بدون شک آن‏ها که در پی تقلیل قیمت نفت هستند تا ایران را زیر فشار قرار دهند،با احتیاط و محاسبات بیشتری‏ دست به چنین اقدامی می‏زدند،زیرا می‏دانستند پایین‏ نگهداشتن بهای نفت،حتی برای دوره‏ای کمتر از دو سال‏ نیز،چندان ساده نیست.بر این اساس باید در محاسبه قیمت‏ نفت در بودجه سال آینده،موضوع تقلیل بهای آن را محتمل‏ دانست.در عین حال کوشید حتی با قطع واردات بنزین از میزان هزینه‏های ارزی کشور کاست.به بیان روشن‏تر نه‏ تنها باید از تشویق مردم به تقاضای بیشتر خودداری کرد، بلکه باید از آنان خواست فداکارانه کاهش مصرف را برای‏ مواجهه با بحران احتمالی پیش روی،وجهه همت خود قرار دهند.به هر حال باید در انتظار ماند و شاهد بود آیا دولت‏ سیاسی متفاوت از گذشته را انتخاب و اجرا خواهد کرد و یا همچنان بر راه رفته پای خواهد فشرد؟